**ظفرخان احسن**

**عابدی، امیر حسین**

خواجه احسن اللّه مخاطب به«ظفر خان»متخلص به«احسن»پسر خواجه‏ ابو الحسن تربیتی مخاطب به آصفخان(1)است.خواجه ابو الحسن تربتی در روزگار پادشاهی جلال الدین اکبر پادشاه نامور و بزرگ هندوستان(963-1014)بهند رسید و مورد عنایت آن پادشاه واقع گردید،و در عهد جهانگیر(1014-1037) بمقام نخست‏وزیری و منصب پنجهزاری رسید.در سال 1033 هجری استانداری کابل‏ از مهابت خان(2)گرفته شد و بخواجه ابو الحسن واگذار گردید،و ظفر خان بجای‏ پدر خود از آن سال در کابل فرمانروائی کرد.صایب(93باشتیاق ملاقات وی از ایران‏ بکابل رهسپار گشت و در آنجا بخدمت او رسید و چند سال در آنجا بسر برد.در سال‏ 1039 هجری ظفر خان از کابل بهند رفت و صایب نیز همراه او بآن سرزمین روانه گشت.

در سال 1041 هجری شاهچهان(1037-1069)ظفر خان را بجای اعتقاد خان(4)بفرمانروائی کشمیر گماشت و او را بمنصب سه هزاری رسانید.هنگامیکه‏ ظفر خان بکشمیر حرکت کرد صایب هم دربار شاهجهان را ترک نمود و مراه او بآن‏ استان رهسپار شد.اقامت ظفر خان در کشمیر از نظر شعر و ادب بسیار مؤثر بود، زیرا در این مدت بیشتر شاعران آن زمان پیرامون او گرد آمده بودند،و در خانهء او مشاعره میکردند(5)و از یکدیگر پیشی می‏جستند.ظفر خان عادت داشت که در مجالس‏ بزم غزلی را باقتراح گذارد و شعرا در آن طبع‏آزمائی کنند.این عادت او باعث رونق‏ شعر و شاعری گردید.در سال 1048 هجری ظفر خان از فرمانروائی کشمیر معزول‏ شد.هنگامیکه او از کشمیر حرکت کرد مجلس شعر و ادب نیز بر هم خورد،و هم‏ 1-بسال 1042 هجری درگذشته است.

2-زمانه بیگ مخاطب به مهابت‏خان خانخانان سپه سالاریسر غیور بیگ کابلی در سال 1044 هجری در گذشته است.

3-بسال 1088 هجری در گذشته است.

4-میرزا شاپور مخاطب به اعتقاد خان پسر اعتماد الدوله در سال 1060 هجری در گذشته است.

5-معنی شاعره این است که دو یا چند شاعر در یک انجمن و بیک زن و قافیه شعر بسازند.

در این باب است که کلیم(1)افسوس میخورد و میگوید:

از ظفر خان بود آن جمعیت و طرح غزل‏ با که دیگر زلف معنی را پریشان میکنم

ظفر خان یکی از مربیان شعر و ادب فارسی شمار میآمد،و علت رفتن شعرای‏ ایران خاصه صایب به هند همین توجه او بوده است.بسیاری از شاعران در درگاه او بودند و با او آشنائی داشتند.صایب،کلیم،قدسی،دانش و میر صیدی از آن جمله‏اند.

ظفر خان تذکره‏ای تهیه کرده بود که در آن شعرای همزمانش منتخبات آثار خود را نوشته بودند و بر پشت برگ شعر هر شاعر صورت او کشیده شده بود.خوشگو نویسنده تذکرهء«سفینه»آن تذکره را دیده بود،و مؤلف«کلمات الشعراء» مینویسد«یک ورزق که برا او شبیه کلیم بود فقیر دیده».مؤلفان«شمع انجمن»و «مآثر الامراء»دربارهء ظفر خان مینویسند«افتخارش همین بس است که مثل میرزا صایب مادح آستان اوست».میرزا صایب در مدح او می‏سراید:

خانخانان را ببزم و رزم صایب دیده‏ام‏ در سخا و در شجاعت چون ظفر خان تو نیست

ظفر خان در ایام جوانی بهمه گونه خوشگذرانی می‏پرداخت و به اوامر و نواهی‏ شرع اعتنائی نمی‏کرد تا اینکه شب دوشنبهء بیست و دوم جمادی الاول سال 1063 هجری حضرت رسول را در خواب دید و بر دست او توبه کرد چنانکه در قطعهء ذیل میگوید:

ظفر خان خوا دید از بخت بیدار که بر دست رسول آورد انابت‏ برای خواب خود تاریخ میجست‏ خرد گفت«آگهی بوده بخوابت»

پس از توبه بانجام دادن وظایف دینی و خواندن دعاها متوجه گردید.دانشمندان‏ آن روزگار ادعیه و اذکاری منقول از ائمه اطهار را در کتابی بنام«احسن الدعوات» برایش جمع‏آوری کردند و برای استفادهء او توضیحات سودمند بفارسی بر آن افزودند.(2)

در سال 1073 هجری ظفر خان در لاهور درگذشت و در آرامگاه پدرش مدفون‏ شد.میتوان گفت که در عهد شاهجهان در میان امرای هند بزرگترین حامی شعر و شعر اظفر خان میباشد.او خود شعر میسرود و از صایب استفاده میکرد چنانکه میگوید.

1-بسال 1061 هجری درگذشته است.

2-نسخهء خطی از این کتاب در کتابخانهء مجلس‏ بشمارهء 824 موجود است.

طرز یاران پیش«احسن»بعد از این مقبول نیست‏ تازه گوئیهای او از فیض طبع صائب است

نسخهء خطی از کلیات احسن در کتابخانه بانکی‏پور(شمارهء 329)هند موجود است.از اشعار اوست:

دید زلف تو مگر بی سر و سامانی ما که چنین گشت پریشان ز پریشانی ما

در بتان هند چون او دلبر خود کام نیست‏ رام رامم گرچه میگوید و لیکن رام نیست

گوشهء چشمی اگر ساقی بما دارد بجاست‏ عمرها در گوشهء میخانه خدمت کرده‏این

شعر ذیل از انتخابات صایب است:

زهد خشکم چنگ ونی را در خروش آورده است‏ توبهء من خون مینا را بجوش آورده است

از باعیات اوست:

استاد مرا چو درس می‏نوشی گفت‏ اول سبقم حدیث بیهوشی گفت‏ تا خاطر عالمی پریشان گردد احوال دلم زلف بسر گوشی گفت

پسر ظفر خان میرزا محمد طاهر مخاطب به عنایت خان و متخلص به آشنا نیز مانند پدر در صحبت شاعران و ادیبان عصر می‏زیست.در نظم صاحب دیوان و سه‏ مثنویست،و در نثر احوال سی ساله سلطنت شاهجهان را از«پادشاه نامه(1)» خلاصه کرده و«ملخص»نام نهاده است،و بگفتهء نویسندهء کلمات الشعراء«از ملا- حمید و غیره فصیح‏تر نوشته».از اشعار اوست:

کدام چیز عزیزان ز یکدگر گیرند بغیر اینکه ز احوال هم خبر گیرند

شعر ذیل از انتخابات صایب است:

باز آسمان بکینه وری راه نو گرفت‏ در دست تیغ مغربی از ماه نو گرفت

عنایات خان در عهد شاهجهان بمنصب هزار و پاصدی رسید اما پس از تخت- نشینی پسرش عالمگیر(1069-119)در کشمیر گوشه‏گیر شد و سرانجام در سال 1081 هجری از این جهان رخت بربست.

1-پادشاه‏نامه تألیف ملا عبد الحمید لاهوری است که بسال 1065 هجری در گذشته است.